

اشاره:

با پیدایش انسان روحیه تعاون و همکاری برای رفع نیازمندیها بر فضای زندگی وی حاکم شده است.

این روحیه با تشکیل خانواده آغاز و در فضاهای محلی، روستایی، شهری، استانی، کشوری و حتی فراملی با شیوه‌ها و اهداف متفاوت تداوم داشته است. بازتاب این روند با تشکیل انواع شرکتهای تعاونی در امور شهری و روستایی با هدف قدرتیابی گروههای انسانی و ایجاد فرصتها و موقعیتهای برابر اجتماعی (قدرت، منزلت) و یا توزیع عادلانه ثروت در فضاهای جغرافیایی متفاوت انعکاس یافته است.

ورود به عرصه‌های شهری و بررسی نقش و جایگاه تعاون در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تقویت عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در این کانون‌های پیچیده انسانی از موارد مورد توجه این مقاله است.

همچنین در این مقاله با برداشتی خاص و ارائه درکی از تعاون در سیستم مدیریت نظام شهری ضمن تبیین نقش شوراهای در گسترش عدالت اجتماعی، به جایگاه شوراهای مدیریت شهری و کاهش نابرابریهای اجتماعی،

اقتصادی، سیاسی و... پرداخته شده است. بازتاب این رویکرد جدید و تفکر هنجاری (تعاون و عدالت‌خواهی) با الهام از قرآن‌کریم و روایات اسلامی در فضای شهری از نکات دیگر مورد بحث است.

مقدمه

تعاونیها، به عنوان یکی از روشها و شیوه‌های حکومتی، نقش مهمی در توزیع موقعیتهای برابر اجتماعی و ساختاری

داشته‌اند. این طریقه عمل در رفع نیازهای مشترک انسانی توانسته است، گروههای اجتماعی مختلف را هرچه بیشتر به موقعیتهای و منزلتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی رهنمون کرده و پرتوهایی از عدالت اجتماعی را بر عرصه‌های زندگی اجتماعی در یک چشم‌انداز فرهنگی (یک محیط انسان ساخت مثل شهر و روستا) بگستراند. وجود نابرابریهای اجتماعی حاصل از فقدان برخورد سیستمی در تدوین سیاستهای کلان در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی،

رفع نیازهای مشترک انسانی وسیعی در رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و... یک نوع تعاون اسلامی به شمار می‌آید. مکتب اسلام تعاون را به عنوان یکی از ضرورت‌های تفکر هنجاری مورد توجه قرار داده و بر خیرخواهی، تقوا و شتاب در همکاری و همیاری مؤمنان تأکید نموده و آنان را از هرگونه تعاون در بدیها و دشمنیها که به نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی دامن زند، برحذر می‌دارد.^۱

در بنیانهای دینی و اسلامی ما تعاون و

عدالت‌گستری از

قسرآن‌کسریم و

روایات اسلامی

نشأت گرفته و بر

جنبه‌های مادی آن

کنه عدالت

اجتماعی از طریق

جسسلوگیری از

تمرکز ثروت و

سودجویی میسر

می‌گردد، تأکید

شده است. در عین

حال ایجاد

برادری، روحیه

همکاری و

وحدت در جامعه

که جنبه معنوی

تعاون می‌باشد نیز

مورد توجه بوده

است.^۲

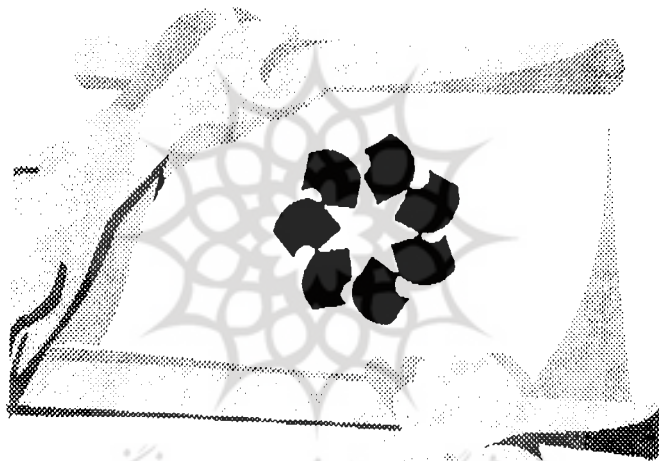
آنچه که در این

گفتار مهم و مورد

توجه بوده،

کیفیت و چگونگی گسترش عدالت اجتماعی با تأکید بر تعاون است. همچنین ارائه درکی روشن از نقش تعاون در گسترش عدالت اجتماعی در سه نوع جامعه انسانی (شهری - روستایی - عشایری) مستلزم محدود نمودن حوزه مطالعاتی در هر فضای جغرافیایی معین است.

بدین منظور کاهش نابرابریها و بعضاً بی‌عدالتیهای اجتماعی در یک فضای شهری نیاز به مشارکت، تعاون و همکاری کارکردی



تعاون و عدالت‌گستری در فضای شهری

علی اصغر بیلهور

شهری و... لزوم تعاون و تشریک مساعی در امور مختلف هر اجتماع انسانی را باز می‌نمایاند.

عدم توزیع منطقی امکانات، فرصتها و موقعیتهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی در هر فضای جغرافیایی نقش تعاون را در توزیع و سازماندهی امکانات و منابع قدرت و ثروت، قابل توجه می‌نماید.

همچنین به استناد منابع دینی و روایات اسلامی همکاری و همیاری اعضاء جامعه در

ایجاد کانون همگرایی و مشارکتی (مثل تعاونها، اتحادیه‌ها، شوراهای) جهت پاسخ به نیازها و توانمندسازی (Enablement) گروههای انسانی، بستری مناسب برای ایجاد فرصتها و موقعیتهای برابر اجتماعی می‌باشد که از طریق آن افراد جامعه می‌توانند به مزایا و منابع کمیاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلتها دسترسی داشته باشد. این مفهوم از تعاون بیشتر با روح عدالت اجتماعی سنخیت و قرابت دارد.

داشته که این امر از طریق نظم شورایی در مدیریت شهری میسر شده است. مشارکت شهروندان در حل معضلات شهری، نمودی از تعاون و ایجاد زمینه‌های غالب در گسترش عدالت اجتماعی می‌باشد که در کانونی پیچیده به نام شهر صورت می‌گیرد. ارائه الگو و برداشتی خاص از تعاون و مشارکت مردمی - اسلامی در پیشبرد سیاستهای شهری جهت تحقق عدالت اجتماعی شهری از اهم این بحث است که با تأکید بر سه واژه کلیدی و مهم یعنی، تعاون، عدالت اجتماعی و شهر، در قالب نهضت تعاونی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱- تعاون: تعاون در لغت به معنی به یکدیگر یاری رساندن و تلاش برای رفع نیازهای مشترک انسانی است.

اصل تعاون به مفهوم همیاری عده‌ای از افراد برای انجام کاری است و ارزش این عمل با توجه به شیوه و هدف آن تعیین می‌شود. تعاون در تعریف، طریقه عمل جمعی در کار و طرز فکر در روابط انسانی است. به عبارت دیگر نوعی عمل جمعی است که در انواع گوناگون روابط انسانی به کار می‌رود و منحصر به رشته و یا منطقه خاصی نیست. صریح‌ترین تعریف از تعاون عبارت است از نوعی همکاری که برای رفع نیازها و انجام یک فعالیت مشترک بوجود آید.

از زمان پیدایش انسان روحیه تعاون و همکاری جهت رفع نیازمندیهای بشری با وی ملازم و همراه بوده است.

می‌توان گفت نطفه تعاون با تشکیل خانواده بسته شد و روند تکاملی آن با تخصص‌گرایی و تقسیم کار اجتماعی پیوند تنگاتنگ داشته و رفع نیازهای مشترک با عمل تعاون در دستور کار قرار گرفت.

با پیدایش حکومت و جامعه اسلامی بر مبنای قرآن‌کریم و روایات اسلامی، بر

مشارکت، تعاون اسلامی و همکاریهای مفید برای رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و احیاناً فردی، یک جامعه تأکید شده است. آنچه مسلم است هدف محوری تعاون رفع نیازها و بخشی از نیازهای مادی جامعه انسانی است که با رفع آنها از طریق تشکیل انواع شرکت‌های تعاونی در امور شهری و روستایی مثل تعاونیهای مصرف (کارمندی - محلی - کارگری - روستایی)، ضمن ایجاد مساوات و برابری، بر گسترش و تحکیم پایه‌های عدالت اجتماعی تأکید می‌شود.

ایجاد کانون همگرایی و مشارکتی (مثل تعاونها، اتحادیه‌ها، شوراهای) جهت پاسخ به نیازها و توانمندسازی (Enablement) گروههای انسانی، بستری مناسب برای ایجاد فرصتها و موقعیتهای برابر اجتماعی می‌باشد که از طریق آن افراد جامعه می‌توانند به مزایا و منابع کمیاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلتها دسترسی داشته باشد. این مفهوم از تعاون بیشتر با روح عدالت اجتماعی سنخیت و قرابت دارد.

۲- عدالت اجتماعی: این اصطلاح از دو کلمه عدالت یعنی موزون بودن و برابری - که در مفهوم رعایت تناسب میان اجزاء یک مجموعه هدف‌دار به گونه‌ای که آن مجموعه بتواند متعادل و پایدار بماند، آمده است - و اجتماعی به معنی گردهمایی و تجمع گروه‌های انسانی - حیوانی است که بار ارزشی آن بر انسان مترتب بوده، تشکیل شده است. در تبیین عدالت اجتماعی باید گفت این اصطلاح در واقع کاربردی خاص از عدالت است که برای فائق آمدن بر تعارضاتی که لازمه همکاری اجتماعی برای ترقی افراد است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحلیل‌های جغرافیایی، از عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم هنجاری جهت مسئله مکان‌یابی و کارایی استفاده

می‌شود. بنابراین بخشی از این مفهوم جنبه مادی دارد که با ثروت، درآمد و توزیع عادلانه آن پیوند تنگاتنگ داشته و در اشکال متفاوت (قرارداد اجتماعی، سودجویی و...) مورد توجه قرار می‌گیرد. ماهیت عدالت اجتماعی نیز از طریق رفع نیازها با تعاون، شرکت در منفعت عمومی با تلاش در رفع نیازهای مشترک و استحقاق به عنوان سه معیار مهم عدالت اجتماعی بیشتر قابل درک است. کاهش نابرابریها و بی‌عدالتیهای اجتماعی در فرایند توزیع متعادل موقعیتهای برابر اجتماعی و ساختاری، در واقع بسترسازی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای افراد و گروهها جهت دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کمیاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلتها می‌باشد که با تأثیرگذاری بر حقوق، فرصتها، پاداشها و امتیازات آنها به عدالت اجتماعی جامه عمل می‌پوشاند.

تحقق عدالت اجتماعی مستلزم وجود مکان و فضا است. فضا نیز یک محصول اجتماعی است که بیشتر بر شهر و روستا مترتب است. با توجه به عدم توزیع منطقی امکانات، فرصتها و موقعیتهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... در یک فضای شهری از یک طرف و وجود بورس بازی زمین و مسکن، نابرابری در ثروت و جدایی‌گزینی اکولوژیکی از طرف دیگر، بررسی نقش تعاون در گسترش عدالت اجتماعی در قالب شهر مورد توجه قرار گرفته و بر این امر تأکید شده است.

۳- شهر: شهر بازتاب فعالیت‌های انسانی است که در آن اسور مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی بر پایه تعاون و مشارکت مداوم یافته و یک چشم‌انداز فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. ارائه تعریفی از شهر که بتواند بر نقش تعاون در تداوم حیات و شکل‌یابی آن تأکید نماید، در اندیشه و نظریه شهری امیل دورکیم مشهود است. دلمشغولی وی تحلیل عوامل مؤثر در رشد و گسترش تقسیم کار اجتماعی است. به نظر دورکیم، کاهش فاصله واقعی بین افراد و تراکم مادی (تراکم جمعیت در یک ناحیه) عامل مؤثر در پیدایش تراکم اخلاقی (افزایش تراکم تعامل روابط اجتماعی در

میان یک جمعیت خاص) و در نتیجه رقابت و تقسیم کار می‌باشد. بنابراین شهر تجلی‌گاه افزایش تراکم معنوی در یک جامعه خاص است. از این منظر شهر فضایی اجتماعی است که در نتیجه رقابت و تقسیم کار با پیدایش تراکم اخلاقی و معنوی نمود می‌یابد. این مفهوم از شهر نابرابری و ناهنجاریهای اقتصادی، اجتماعی را تقویت کرده و بر رویکرد جدید در مدیریت شهری تأکید می‌نماید. بدون شک به نمایش گذاردن روح حاکم بر یک جامعه شهری، مستلزم شناخت ابعاد مادی (توزیع امکانات، ثروت، اقتصاد و...) و معنوی (تعاون، مشارکت، عدالت‌خواهی و...) شهر می‌باشد.

بسط مفهوم تعاون در فضای شهری که بر گسترش عدالت اجتماعی اثر گذارد، ما را به کلی‌نگری و همه‌سونگری ابعاد شهر رهنمون می‌نماید. اما با برداشتی خاص از تعاون و تبیین نقش آن در گسترش عدالت اجتماعی شهری حوزه بحث خود را به شوراها در مدیریت شهری محدود می‌کنیم. همچنین با علم به اینکه مشارکت مردمی در نظام مدیریت شهری مسطهر تعاون و عدالت‌خواهی اجتماعی است، بر جایگاه همکاری و همیاری شهروندان در گسترش عدالت اجتماعی از طریق تعاون تأکید می‌نمایم.

نقش تعاون در مدیریت شهری

کاهش موفقیت طرحهای توسعه شهری (طرح جامع - هادی - تفصیلی) با توجه به اقدامات شهرسازی در ایران، موجب بی‌عدالتی‌های اجتماعی فراوانی شده است. افزایش شکاف طبقاتی در جامعه شهری در نتیجه بورس بازی زمین و مسکن، سودجویی و تمرکز ثروت بر کم‌رنجی عدالت اجتماعی اثر گذاشته و توزیع عادلانه امکانات و تجهیزات را در فضای شهری با چالش‌هایی مواجه ساخته است.

ارائه الگو با پارادایمی از تعاون در نحوه برخورد با مسئله شهر، راه‌گشای تحقق و نزدیکی با عدالت اجتماعی در فضای شهری می‌باشد. این پارادایم سیستم شورایی در مدیریت نظام شهری است که ضرورت

تشکیل آن در کاهش چالشها و گسترش نسبی عدالت اجتماعی، باز تولید تفکر همکاری و تعاون بوده است. وضع قوانین و مقررات جدید که بر توزیع برابر فرصتها، موقعیتها، امکانات، و منابع اثر گذارد، انعکاسی از تعاون مدیریتی در عرصه‌های زندگی شهری است. در این دیدگاه عمل تعاون خط سیری است که از طریق مشارکت مردمی در بستر شهر و مدیریت بهینه شهری تقویت شده تا از این رهگذر نابرابریها کاهش یافته و بر گسترش عدالت اجتماعی تأکید گردد. بنابراین شورای شهر به عنوان نماد مشارکت و حضور مردمی، یک شرکت تعاونی مدیریتی محسوب می‌شود که در آن رفاه شهروندان و کاهش نابرابریهای اجتماعی از طریق باز توزیع عادلانه، هدف غایی است و ایجاد علاقه‌مندی اجتماعی و میل مردمی در مدیریت شهری رویکرد جدید در عدالت‌گستری و نتیجه یک تلاش تعاونی است.

هر شهری دارای سیستمی است که توسط مدیریت شهری سازماندهی می‌شود و درجه موفقیت و عدم موفقیت شهر در ارائه کارکردهای مختلف بستگی به میزان حضور و همکاری شهروندان در عرصه تعاون مدیریتی دارد. همچنین انسجام، وحدت سیستمی، سازمان‌یابی ساختارهای کارکردی در شهر، بنا دموکراسی اجتماعی و عدالت‌خواهی سامان می‌گیرد که این فرایندها نیز در سایه تعاون تحقق‌پذیر است.

تمرکز روزافزون افراد در نواحی شهری، رشد شهرنشینی و شهرگرایی مشکلاتی را در ارائه خدمات متناسب با میزان افزایش جمعیت شهری بوجود آورده است. از طرف دیگر تراکم ساختار فضایی انواع کارکردها در محیط شهر - ناشی از توسعه و گسترش شهرنشینی، و شهرگرایی - مدیریت شهری را با چالشهایی مواجه کرده است. همچنین فقدان جایگاه ویژه شهروندان و مشارکت آنان در فعالیتهای عمران شهری و سیاستهای تصمیم‌گیری در چند دهه اخیر از تمرکز اداری و عدم توزیع قدرت بین نهادهای محلی نشأت می‌گرفت. نتیجه اینگونه مدیریت که نقش مردم در سیستم‌های

مدیریتی به طور عام و مدیریت شهری به طور خاص به حداقل می‌رسید، از موانع رشد در فرایند توسعه شهری محسوب می‌گردید. حذف جایگاه مردم و نقش آنان در فرایند توسعه ملی و تمرکزگرایی، زمینه هرگونه مشارکت و همکاری مردمی را در فرایندهای توسعه، منتفی می‌ساخت. چرا که حکومت استبدادی حقیقی برای مردم قائل نبوده و جایی که حق نباشد قانون نیز بوجود نمی‌آید و نتیجه اینکه، عدالت اجتماعی بوجود نخواهد آمد و نابرابریها رونق می‌گیرند. بنابر آنچه گفته شد بعد از استقرار حکومت اسلامی و قانونگرایی ضرورت نظام شورایی در سیستم‌های مدیریتی مورد تأکید قرار گرفت. نهادینه شدن نظام شورایی باعث توجه به نقش مردم در سایه تعاون اسلامی شده و گسترش عدالت اجتماعی در هر فضای جغرافیایی انسان ساخت (شهر - روستا) در دستور کار قرار گرفت.

نقش شوراها در گسترش عدالت اجتماعی شهری

تشکیل شوراهای اسلامی شهر رویکرد جدید در ساماندهی و مدیریت شهری می‌باشد که از روح تعاون و همکاری شهروندان نشأت می‌گیرد. این شوراها با هدف ایجاد زمینه‌های مناسب جهت آسایش و بهبود شرایط زندگی شهروندان، نقش مهم و اثرگذار در مدیریت شهری داشته و برآیند آن ایجاد رضایت‌مندی و تقویت پایه‌های عدالت اجتماعی می‌باشد که با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مطلوب شهری در فضای یک شهر تبلور می‌یابد.

تلاش در حفظ منافع عمومی، کاهش نابرابریها و بی‌عدالتیهای اجتماعی در فضای شهر بخشی از اهم وظایف شوراهاست که تحقق این امر عدالت‌گستری محسوب می‌گردد. واضح است که جامعه از تک‌تک افراد شکل می‌گیرد. هر جامعه (شهری - روستایی) نیاز به نظم و انضباط اجتماعی دارد تا ضمن انسجام، پایه‌های دموکراسی و عدالت اجتماعی با نهادینه شدن قانون سامان یابد. شهر نیز شکل پیچیده‌ای از اجتماع انسانی است که از سینه جوامع روستایی قد

شهری خواهد بود. شهر به عنوان یک محصول جمعی و بستر توسعه فضایی و تراکم انواع فعالیتها، همبازی و مشارکت اجتماعی شهروندان را در روند مطلوب فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌طلبد.

صریحترین راه تعاون شهروندان در اداره امور شهری ضمن انتخاب شوراهای محلی و فعال و مؤثر در تدوین و ارائه طرحها و برنامه‌هاست. این امر ممکن است از طریق اظهار نظر در مورد پروژه‌ها مفید فایده باشد که در صورت عملی شدن طرحها، از یک طرف از تمرکز ثروت، سودجویی، بورس بازی زمین و مسکن شهری جلوگیری شده و از طرف دیگر توزیع عادلانه ثروت، امکانات و تجهیزات شهری وسیله‌ای برای گسترش عدالت و بهره‌مندی همه شهروندان محسوب می‌گردد.

روندی که تا کنون در نظام مدیریت شهری کشور ما جریان داشته است (تا قبل از انتخابات شوراهای محلی در سال ۱۳۷۷) به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های مشارکت و معاونت شهروندان در اداره امور شهر و تمرکزگرایی، ناکارآمد بوده^۱ و نیاز به رویکرد جدید داشته است!

با انتخاب شوراهای اسلامی اولین گام در تمرکز زدایی، توزیع عادلانه قدرت، ثروت و توانمندسازی (Enableness) برداشته شد. تعاون و همکاری شهروندان با تشکیل شورای اسلامی شهر باعث شد تا انتظارات و خواسته‌های مردم از دولت تعدیل یابد، حضور مردم در صحنه‌های مختلف نهادینه شود، نارضایتی به رضایت سیاسی مردم تبدیل شود، ظرفیت و توان پاسخگویی دولت افزایش یافته و در نهایت هویت و همبستگی ملی تقویت شود. ایجاد وحدت ملی و ایفای نقش مردم در مدیریت شهری به پیشبرد فرایند توسعه شهری به عنوان بخشی از توسعه ملی کمک نموده و با کارکردهای مثبتی که شوراهای شهر انجام می‌دهند می‌توان نکات اساسی از این حرکت و تعاون مردمی (انتخاب شورای شهر) استنتاج کرده و بر نقش تعاون و مشارکت در عدالت‌گسری تأکید نماییم. از عوامل و نتایج مهم تعاون در



اصل تعاون به مفهوم همبازی عده‌ای از افراد برای انجام کاری است و ارزش این عمل با توجه به شیوه و هدف آن تعیین می‌شود.

نشانه‌های حکومت اسلامی جایگاه ویژه در عدالت‌خواهی و عدالت‌گسری داشته است. به طوری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲ بر توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم تأکید شده است. همچنین بر اساس اصل هفتم قانون اساسی، شوراهای محلی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. بنابراین در شهرها نیز تعاون عمومی از طریق مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی صورت می‌گیرد که شوراهای اسلامی شهر و مدیریت شورایی یکی از مظاهر تعاون شهروندان در پیشبرد سیاستهای شهری است.

اگر نقش مشارکت و معاونت شهروندان را در سرنوشت خودشان قابل توجه ارزیابی کنیم، مدیریت شورایی (شورای شهر) بازتاب تفکر پلورالیستی (Pluralism) در اداره امور

کشیده و نیاز به هدایت بهینه محیط زیست و گردش امور شهری از طریق معاونت و مشارکت شهروندان دارد.

تحقق این امر با شکل‌یابی شوراهای اسلامی شهر و حمایت از کارکردهای مدیریتی در سایه تعاون اسلامی صورت می‌گیرد. بنابراین، مشارکت در تشکیل شوراهای محلی و همبازی شوراهای محلی در مدیریت شهری نوعی تلاش در عدالت‌گسری است که در طول هم با تکیه بر تعاون اسلامی در فضای شهری تداوم می‌یابد. در هر کشور هدف توسعه رفاه انسان است. در مقیاس شهر نیز تحقق عدالت اجتماعی با اجرای طرحهای توسعه شهری گامی به سوی رشد توسعه محسوب می‌گردد.

بدون شک مدیریت شورایی با تکیه بر تعاون عمومی شهروندان ضمن اثرگذاری بر ساختارگرایی و کارکردگرایی مناسب شهر، می‌تواند نظام شهری را کارآمدتر، ساختار برنامه‌ریزی را بهینه، توزیع امکانات را منطقی‌تر نموده و زمینه تحقق عدالت اجتماعی را فراهم آورد.

تعاون و شوراهای محلی به عنوان یکی از

امور شهری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- افزایش سهم مشارکت مردمی در مدیریت شهری.
- ۲- گام نهادن در مسیر تمرکززدایی مدیریتی در شهر، به ویژه تمرکز اداری.
- ۳- متناسب کردن تشکیلات شهرداریها با مدیریت شورایی.
- ۴- داشتن نظام کارآمدتر، رفع مشکلات، پیشبرد اهداف سیستم‌های شهری.
- ۵- قانون‌مند کردن درخواستها از طریق نهادی کردن مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی.

در جوامعی که دموکراسی در آن نهادینه شده و یا به سوی نهادینه شدن قانون و دموکراسی گام برمی‌دارند، مشارکت و تعاون عمومی بازتابی از عدالت‌خواهی است. چرا که تحقق عدالت اجتماعی از طریق احقاق حق میسر است و هریک از افراد جامعه و شهروندان رسیدن به عدالت اجتماعی را از طریق دموکراسی و قانون‌گرایی میسر می‌دانند. لذا مشارکت و همیاری شهروندان در اداره امور شهر که بر زندگی تک‌تک آنان اثر می‌گذارد، یکی از رویکردهای جدید تعاونی بوده که در قالب شوراهای شهر متبلور است. همچنین مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان در مدیریت شهری زمینه‌ساز توسعه‌ای بوده که در نهایت به تحقق و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه شهری کمک قابل توجه نموده است. در جریان عدالت‌خواهی و تحقق آن، مشارکت و همیاری در یک فضای جغرافیایی (مثل شهر) یک اصل مهم بوده که مورد توجه بیشتر حکومت‌های دموکراتیک بویژه حکومت و جامعه اسلامی می‌باشد. در یک فضای شهری می‌توان علل و عوامل متعددی بر تعاون شهروندان مترتب دانست که به مواردی از آن اشاره شده است:

- ۱- تعاون در امور شهری خود به تنهایی یک هدف است. (عدالت‌گستری).
- ۲- تعاون یک فرایند یادگیری ارزشمند است که مردم را آماده می‌نماید تا با مسائل و مشکلات مختلف زندگی خویش، برخورد موفقیت‌آمیزی داشته باشد. (تقویت اعتماد به نفس).

- ۳- تعاون می‌تواند یک پروژه را به واسطه انطباق با نیازهای واقعی و خواسته‌های مردمی مؤثرتر نماید.
- ۴- مشارکت و تعاون می‌تواند کارایی یک پروژه را از طریق انگیزش تمایلات مردم برای سرمایه‌گذاری افزایش دهد.
- ۵- تعاون باعث تحکیم وحدت و همبستگی ملی می‌شود.
- ۶- مشارکت و همیاری می‌تواند حس شهروندی را تقویت نموده و فرهنگ تعاونی را بسط دهد.
- ۷- تعاون و حضور مردمی می‌تواند با همگرایی در نهادینه شدن حقوق شهروندی در گسترش عدالت اجتماعی و تقویت و تسریع آن نقش مهمی ایفا نماید.

نتیجه‌گیری:

بحث تعاون و نقش آن در گسترش عدالت اجتماعی را در یک فضای شهری با ارائه برداشتی خاص از تعاون (شکل‌گیری شوراهای و نقش آنها در گسترش عدالت اجتماعی) به بحث گذاشتیم و مشارکت و همیاری و حضور شهروندان را در رفع نیازهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکدیگر از طریق انتخاب شوراهای اسلامی و تقویت مدیریت شهری مورد توجه قرار داده و بر عدالت‌خواهی دموکراتیک با تکیه بر تعاون تأکید کردیم. از این رو تعاون و مشارکت شهروندان در انتخاب شوراهای شهر در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بازتابی داشته که بر رضایت‌مندی و عدالت‌گستری استوار بوده است. در زمینه همیاری با مسئولان و مدیران شهر، تعاون بر افزایش روحیه و قدرت مانور مسئولان در اداره امور شهر اثر گذاشته است. از طرف دیگر منتخب مردم (شوراهای) از طریق سازماندهی و تشویق شهروندان به معاونت و همکاری در امور مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... شهر به ایفای نقش می‌پردازد که هر دو گروه (شهروندان و شورای شهر) تلاش در حفظ منافع فردی و عمومی داشته و بر تقویت پایه‌های عدالت به معنای مساوات در زمینه استحقاقها تأکید می‌نمایند. شوراهای شهر نقطه همگرایی سایر

نهادهای مردمی هستند. در این زمینه می‌توان به اختیارات قانونی شوراهای اشاره کرد که طبق قانون، شوراهای می‌توانند با هماهنگی دستگاههای اجرایی در سایه تعاون اسلامی به تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی و... بپردازند.

شوراهای اسلامی شهر، به عنوان بازوی دولت و یکی از ارکان حکومتی در امور شهر، جایگاه ویژه یافته است، به طوری که می‌تواند در مواقع لزوم اعمال قدرت کرده و سیستم‌های شهری را با ارائه راهکارهای درست به نفع عامه مردم هدایت و بر عدالت‌گستری تأکید نماید.

از نتایج دیگر تعاون در نظام شورایی، افزایش میزان آگاهی و شعور سیاسی عامه شهروندان از مصوبات و برنامه‌های دولت در زمینه شهر است. یعنی اگر دولت برنامه‌های درازمدت در زمینه شهری دنبال می‌کند، مردم از طریق نمایندگان خود (شوراهای شهر) به راحتی می‌توانند در جریان کسب و کیف آن قرار گرفته و زمینه‌سازی شورای شهر برای تعاون و مشارکت مردم در پروژه‌ها و برنامه‌ها، حلقه اتصال دولت، شوراهای مردم را کامل نمایند. ادامه این روند گام مؤثری در تحقق جامعه مدنی و عدالت اجتماعی خواهد بود. ورود به عرصه‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌های شهری یکی دیگر از پرتوهای تعاون و مشارکت در مدیریت شهری است. این عمل بر ارتقاء کیفیت زندگی و رضایت‌مندی اثر خواهد گذاشت. در این مورد می‌توان به مسئولیت‌پذیری مردم اشاره کرد که از درک آنان در پیشبرد اهداف برنامه‌ریزی شهری و افزایش روحیه تعاون اسلامی ناشی می‌شود.

همچنین افزایش شعور اجتماعی شهروندان که از طریق تعاون و مشارکت در عرصه‌های فرهنگی تبلور می‌یابد، باعث همبستگی اجتماعی و ارتقاء فرهنگ مشارکتی می‌شود.

تلاش در باز توزیع قدرت در مدیریت نظام شهری، یکی دیگر از بازتابهای تعاون اجتماعی بوده که در قالب شوراهای شهر صورت گرفت. مشارکت مردم نیز بر

جنبه‌های مادی (کاهش نابرابری اجتماعی، سودجویی و تمرکز ثروت) و معنوی (تقویت روح برادری، همکاری) تعاون اثر گذاشته و

۲- افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (۴۱).

۳- اعنماد، گسینی (۱۳۷۸) مجموعه خلاصه مقالات همایش زمین و توسعه شهری، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۴- هویی زن، اوست (۱۳۷۷) مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه نواحی شهری، ترجمه ناصر برگ‌پور، مجله معماری و شهرسازی، دوره هفتم، شماره ۴۸-۴۹.

۵- سارچی، باشاری (۱۳۷۸) پژوهش و مدیریت شهری: درسهایی از شهرداریهای جنوب آسیا، ترجمه فرح حسامیان، ماهنامه شهرداریها، سال اول، شماره ۸.

۶- تشکر، زهرا (۱۳۷۸) شوراها و اسلامی شهر و چالش‌ها، ماهنامه شهرداریها، سال اول شماره ۱.

۷- رافعی، ابراهیم (۱۳۷۱) اقتصاد ایران، نشر نی.

۸- سازمان امور استخدامی و اداری کشور (۱۳۶۴) گزارش بررسی شوراهای در سازمان، دولت

زمینه‌های گسترش عدالت اجتماعی را فراهم نموده است.

منابع و مأخذ:

جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اداری، نشریه شماره ۴.

۹- سریع‌القولم، محمود (۱۳۷۸) نقد و بررسی مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی، معاونت پژوهش سازمان برنامه و بودجه.

۱۰- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، مجله ۱.

۱۱- مهدوی، مهدی (۱۳۶۴) آموزش تعاون، سازمان مرکزی تعاون روستایی.

۱۲- هاروی، دیوید (۱۳۷۶) عدالت اجتماعی و شهر، مترجمان، فرح حسامیان، محمدرضا حائری، بهروز منادی‌زاده، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).

۱۳- بلدا، ترانه (۱۳۷۸) همسایه محلات: ستری برای جلب مشارکت مردمی، ماهنامه فنی، اجتماعی شهر، سال اول، شماره ۳.

۱- بی‌نا (۱۳۷۱) مشارکت مردمی در پروژه عمران محدد داراوی سینی، ترجمه حسن احمدی، مجله معماری و شهرسازی، دوره چهارم، شماره ۲۲-۲۳.

پی‌نوشت‌ها:

۱- و تعاونو علی‌البر و التفوی و لاتعاونوا علی‌الائثم و العدوان (آیه دوم سوره مائده).

۲- اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی بنا برنامهریزی منظم و صحیح استوار ساخته است که در بخش تعاونی جنبه‌های مادی و معنوی آن مورد تأکید است.

۳- بند ۱۵ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴- کم و کاستیها و معضلات اجتماعی شهر، نابرابریهای اجتماعی، تخریب محیط زیست شهری، اسکان غیررسمی، بدمسکنی و... بیانگر این واقعیت است.

بگیره از صفحه ۱۵

به انجام آن می‌باشند زمینه‌های تأثیر منفی بر جریان تکاملی و پویایی رشد و کمیت و کیفیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی را فراهم می‌آورد.

لذا ایجاد فضای انحصار و اختصاص دادن مزیت‌ها و امکانات دولتی در جهت گسترش دامنه فعالیت دولت و محدود ساختن دایره فعالیت بخشهای تعاونی و خصوصی، امری منطقی نبوده و در چنین صورتی تحقق اهداف عدالت اجتماعی نه فقط با تردید و رکود همراه خواهد شد بلکه مسیر توسعه اقتصادی کشور را نیز از جریان طبیعی و سازنده آن منحرف خواهد ساخت.

و بالاخره اینکه با توجه به مورد تأکید بودن گریز از دولت‌سالاری و شرکت دادن بیشتر مردم در فعالیت‌های اقتصادی به منظور کاهش فاصله طبقاتی و تعمیم عدالت اجتماعی در جامعه از یک طرف و حائز شدن توسعه فعالیت بخش خصوصی از دیدگاه عدالت اجتماعی در کشور به شکل صحیح و اطمینان‌بخش و عمل نکردن آن مشابه وضعیت کشورهای پیشرفته صنعتی از طرف دیگر.

بخش تعاونی می‌تواند نقش تعدیل‌کننده‌ای را در نهادینه شدن فعالیت‌های غیردولتی در اقتصاد ملی ایفا نماید. به همین سبب به نظر می‌رسد که برای تحقق عدالت اجتماعی، زمینه‌سازی لازم برای تجمیع سرمایه‌های کوچک مستلزم تشکیل شرکتهای تعاونی در گرایش‌های مختلف است و این خود می‌تواند آزمایش و تجربه مفیدی را در جهت فعالیت‌های مردمی، انباشت سرمایه‌های مادی و انسانی و سرمایه‌گذاری مجدد و تقویت توان مالی شرکتها و بزرگ شدن تدریجی واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی و شبیختن ایجاد اشتغال مفید و توزیع عادلانه درآمدها در برداشته و فعالیت موفقیت‌آمیز چنین شرکتهایی در عرصه اقتصاد، بسیار لازم را بسرای مقایسه و برتری سرمایه‌گذاری‌های مولد، بخش غیردولتی و مردمی در مقابل سرمایه‌گذاریهای دولتی کم‌بازده و متکی به منابع بخش عمومی به گونه‌ای شفاف به دست دهد.

با توجه به آنچه گفته شد به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در وضعیت موجود به لحاظ فقدان امکانات کافی برای عامه مردم تمامی افراد جامعه در موقعیتی

قرار ندارند که بتوانند در راه توسعه و اعتلای زندگی خویش گام بردارند پس به ناچار باید زمینه‌های لازم به منظور تعمیم عدالت اجتماعی در جامعه فراهم گردد و همگان به تلاش بیشتر برای بهبود زندگی خویش و مشارکت در تعیین سرنوشت خود را از مسیر انجام فعالیت درست تشویق شوند و با ایجاد تغییر در ساختارهای قدیمی اقتصاد امکان اشتغال و بهره‌مندی از مزایای کار به نحو مقتضی برای همه فراهم آید و راههای استثمار گروههای کثیری از مردم توسط تعدادی محدود و صاحب نفوذ و سرمایه‌دار مسدود گردیده و درآمدها به صورت عادلانه‌تری توزیع و نابرابریهای آن کاهش یابد تا مسیر پیشرفت برای آحاد جامعه هموار شود و با مساعد شدن شرایط اجتماعی از امکانات موجود اقتصادی حداکثر بهره‌دوری به عمل آید و آهنگ رشد و توسعه با مساعی جمعی و مشارکت همگانی سرعت بیشتری به خود گیرد و حقوق افراد جامعه آنچنان که مورد نظر در قانون اساسی و توصیه‌های مقام معظم رهبری است در زمینه رفاه همگانی و تعمیم عدالت اجتماعی بر خوردراری از اشتغال مناسب و مفید تأمین گردد.